

امید، انگیزه تحرک‌ها

دور نمای فردا و راههای تحرک

دور نمای فردا

انسان بامید آینده زندگی است ، اگر دور نمای آینده در آفاق زندگی وجود نداشته باشد ، چرخهای فعاله حیات از کار می افتد ، تلاشها و کوششهای که حاصل می شود ، همه باطل می آید .

مادراتی که کودکان خود را پرورش می دهند ، کارگران و کشاورزان که در سرما و گرما با مشکلات می جنگند ، همه باطل می آید .

گذشته تمام شد ، فاقه ارتش است ، زمان حاضر نیز با شتاب آید ، ارتش دارد ، دانش آموز امروز سمدسه میرود ، تافردا از سرمایه علمی نوبه برگیرد .

بنا بر این انگیزه اصلی در تحرک های انسانی امید بفره است ، مادر دایه ای که در گوشه خیابان بساط کبریت فروشی پهن کرده ، و کودک کوچکی را در بغل نگاه داشته ، بخاطر آینده کودکی بر نهی عفت می ورزد ، در گوشه و کنار دنیا با بیانی بی پایه های امیدوار برخورد میکنیم ، که با اینکه برخی از آنان دروغ و تلمع خود را در محرومیت ها گذرانده اند ، ولی امیدواران و فرزند و بیایانه مادر ، زندگی را برای آنان شیرین و گوارا می کنند . اگر روزی این امیدها از خانه دنیا برداشته شود ، چه راه باز بماند آشیانه خاک آسودت زندانی محسم خواهد شد .

عیسی پیامبر روزی از کنار مردی ای عبودیت کرد ، در پی مردی که قفس خیمه ، و موهای ابروایش پریشان افتاده بود ، مشغول کار کشاورزی است ، عرق کرده ، خدا را به او اذیل این پیر مرد بردار ، لسته ای نگذشت که پیر مرد بی درنگ انداخته در گوشه ای نشست و پس از لحظاتی بخواب فرود رفت ، عیسی گفت : خدایا روح امید را با او برگردان ، پیر مرد بیدار شد ، از جای برخاسته از یاد کار را از زمین برداشت ، و دوباره بکار و کوشش سرگرم گشت .

عیسی از مرد آمد ، پرسید : چرا در مدت کوتاهی کار را ترک کرده ، خواب رفتی و دوباره بکار و کوشش پرداختی ؟ گفت : وقتی کارم بگرم ، در مکان صحنه مرگ و نیستی در برابر چهره ام می ایستد ، گویی کسی من می بیند ، بر این چه کار میکنی ، لذا کار را ترک کردم ، ولی ناگهان آینده کودکم انظارم گشت ، شوق زندگی در من زیدید ، دوباره تلاش و کوشش ملائمته گشتم .

بنا بر این حسرتی نشی ، میان امید و فعالیت و کوشش وجود دارد ، هر قدر امیدها بیشتر باشد ، سعی و کار فراوان تر شده ضمناً هر چه امید آرزو ، عالی تر و اساسی تر باشد ، راه و سول بدان شعور تر و صبیق تر خواهد بود .

و از آن گفته اند ، که اصولاً معنای زندگی و مقننیت یعنی خواستد بود ، که آدمی برای سبقت بیوف و آندوش تلاش کند ، کسانی که در آفاق زندگی شان امری وجود ندارد ، لذت و بهرهای از زندگی نمیتوانند نخواهد بود ، اینان مردگانی هستند که در میان زندگان راه می روند .

با توجه با این نکات آشکار میگردد ، که از نظر تعلم و تربیت اساسی ترین کاری که مادران و پدران باید بدان توجه داشته باشند ، این نکته است که از همان ابتدای کودکی سعی کنند ، کودکان خود را طوری تربیت کنند ، که همیشه در این هدف و مقصدی باشند .

و سعی کنند این موضوع ، در عادی ترین کارها ، حتی در بازی و تفریح آنها وجود داشته باشد ، یعنی کودکان از اول و واجد روح سازند می شده ، در هر مرحله از سنین عمر ، فردی آرزو و استوار خواهد بود ، و هیچگاه روح منفی نمی در او پیدا نخواهد شد ، و بجای پاس و ناامیدی همیشه با نشاط و آیدندگی خواهد کرد .

بر اساس همین نکته است که در روانشناسان عقیده دارند لازم و ضروری است که همه خواسته های کودکان بر آورده نشود ، تا در مواردی دچار نا کامی گردند ، چه تمام با مشکل و فکر و بار روانی و حتی حالات بیلاوه بر اینکه کودک را سازنده یاد آورده ، روح در او دمیده میشود ، که میخواهد معنی به جنگ مشکلات رفه آرزو را حل نماید اصولاً روش تقویت می کنند ، روانشناسان معتقدند هر قدر آرزوهای کودک مشکل تر باشد بر خود آرزوی خودش بیشتر خواهد بود چه حل مشکل ، چه در وقتها تقویت می کنند .

سایه های تحرک

یکی از مشکلات تربیتی خانواده ها اینست که اصولاً روش پرورشی ، پرورد محبور اطراف و تفریحی دور باشد ، جنه های آنچنان کودکان خود را لوس و لبر بار می آورند که کودک باید که تپا بر وقتن ، دارد زندگی اجتماعی میگردد ، و با کوچکترین تصادم از صحنه زندگی بیزار میگردد ، کودکان فرادی و جوانانیکه خود کوشش میکنند بیشتر از این نوع افراد هستند .



در زندگی آن جوان قدردانی زودگونی نباشد که اسلاکووک نس نباشد، در موردی بسیار شخصیت شاید، و خودی از خود نشان دهد.

هر دو نوع این نحوه تربیت، با روح سازندگی کودک منافات ندارد.

بنابر این بهترین نحوه تربیت اینست که کودک را از همان آغاز، با روح امید و فعالیت بار آورد، بدین است سرگرمی بکارگوشن را حوسم بسزائی دیرگناری از آلودگی ها و هرزگی ها دارد، و در مقابل آن نداشتن امید، بمنزماکت و صامت بودن است، بسیاری از جوانان کشور با مسولان زندگی را بدینا واقف درنگ نکرده، دارای عرفه شخص در زندگی نس باشند، و مانند اشاعی با وارد خیال این دان میروند.

بسیاری از جوانان ما، دوران تحصیلی دیرستانی را پشت سر گذاشته، وارد دانشگاه میگردند، ولی هنوز هم دارای هدف زایده نیستند، ضرورت زندگی آنان را بدانشگاه کشانده، و همان ضرورت هم بر رفتار و کردارشان حاکم است، بدون اینکه گویکتترین عصب و ابد داشته باشند.

از دانشجوان سال اول دانشگاه حقوق تهران، توسط استادشان سؤال شده بود، که با دربر رویکی دوتا از آن سؤال ها اشاره میسایم، و از نحوه جواب آنان طرز روحیه جوانان کشور ما مشخص میگرد.

در گذشته چه موقعیت های داشته ایم؟

مدعی ۹۹ دانشجویان جواب منفی داده بودند، و گفته بودند، که در گذشته هیچگونه موقعیتی نداشته اند، و مدعی بود دانشجویان در پاسخ سؤال دیگری که از آنان شده بود که چه هدفی برای آینده دارید؟ جواب منفی داده، باسراحت اعتراف کرده بودند که هیچ هدفی برای آینده ندارند (۱).

بدون تردید، اجتماع انزوا را تشکیل میگرد، وقتی افراد دانشگاهی یک ساله این چنین بی هدفی و غیرسازنده باشد آ آ میسزان چنین اجتماع را حاکم و فعال دانست، گناه این بی هدفی تا - دوری توسعه سازمان تر بین سازان و دانشجو بهر آنکه واداران در این اجتماع جسمانی نرسند خودخواهی ها و فقدان رشد فکری و عقلی بسیار میگرد که کودک، فردی خودود ما بوس بر آید.

همچا باید توجه داشت که قسمت اصلی شخصیت جوانان در همان سالیهای اولیه کودکی تشکیل میگرد. در حاله می توان چنین بر آورده کرد که توسعه روز افزون طرفداران دیلله ها و عیب ها در کشور ما، تا حدودی معاول قزمان روح امید در جوانان کشور میباشد.

(۱) کتاب قانون و شخصیت تالیف دکتر پرویز سائمن من ۱۳۷۱ سطر ۱۶